نگاهی به تفسیر منهج‌الصادقین

حسین ستّار*

چکیده: تفسیر منهج‌الصادقین از مشهورترین تفسیرهای فارسی است که ملافتح‌الله کاشانی دانشمند شیعهٔ قرن دهم (م ۹۸۸) آن را نوشته است.نگارنده در این گفتار، به شرح حال مختصر کاشانی، استاد مشهور او علی‌بن حسن زواره‌ای و آثارش، تألیفات کاشانی و ویژگیهای تفسیر منهج‌الصادقین پرداخته است.

کلید واژه: کاشانی ـ ملّا فتح‌الله / مفسّران شیعه ـ قرن دهم /زواره‌ای ـ علی‌بن حسن / منهج الصادقین.

مقدّمه

مسلمانان از دیرباز به قرآن توجّه داشتند. در این میان، نخستین تفسیر فارسی بعد از قرن چهارم نوشته شد که ترجمهٔ تفسیر طبری بود و به دستور منصوربن نوح سامانی انجام گرفت. (۱۱:ص ۱۱۵) پس از آن نیز تفاسیر فارسی فراوان نوشته شد که علاوه بر فضیلت دینی، گنجینه‌ای بزرگ از زبان‌شناسی دربر دارد. (۱۲:ص ۶) از قرن

*. مربّی، گروه معارف اسلامی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه کاشان.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

نهم به بعد، این روند، سرعت گرفت. یکی از این تفاسیر ـ که در این گفتار، به معرّفی آن می پردازیم ـ تفسیر «منهج الصادقین في إلزام المخالفین» است، از آثار ملّا فتح الله کاشانی.

اطّلاعات و تاریخ به جا مانده از این عالم شیعی در مقایسه با همگنان او و نیز با توجّه به اهمّیّت و تنوع نگاشته‌های او بسیار کم است و حیرت‌آور.

مرحوم ملّا حبیب‌الله شریف در کتاب لباب الالقاب، از او یاد می‌کند و می‌نویسد که من کسی را ندیدم که در رجال علما از او یادی کرده باشد. (۱۴: ص ۸۰) سپس ادامه می دهد:

> *نوشته‌های وی گواهی می‌دهد به اینکه او عالمی فاضل و جامع علوم معقول و منقول، فقیه و مسلّط به لغت، ادبیّات و اصول بوده است... تعجّب از این است که چگونه احوال این عالم مخفی مانده و در عداد فضلاء یاد نشده؟ بر این باورم که او به سبب فقر و عدم تمکن دنیوی و از آن روی که در پی جمع مال و اموال نبوده [چنین گمنام مانده] ...نام نیکو و شهرت در اکثر دورانها بسته به مال و اموال است نه زهد و علم و کمال.* (۱۴: ص ۸۱ـ۸۲)

در هرحال، وی از مفسّران بنام قرن دهم است. هیچ یک از کتب تواریخ به سال تولّد او اشاره‌ای نداشته‌اند و صرفاً او را به قرن دهم نسبت داده‌اند. بنابراین، تاریخ تولّدی از او در دست نداریم. وی به سال ۹۸۸ هـ‌ق (۱۵۸۰ م) درگذشت. (۱: ج ۲۳، ص ۱۹۴؛ ۱: ج ۴، ص ۴۷۷؛ ۵: ج ۸، ص ۳۹۳؛ ۱۰: ج ۲، ص ۵۹۲)

بررسی ادّعای کشف الحجب:

در این بین، ادّعای سیّد اعجاز حسین کنتوری منحصر به فرد و غیرقابل قبول می‌باشد. وی سال فوت کاشانی را ۹۹۷ هـ‌ق (۲۴: ص ۱۴۳ و ۲۰۸) نگاشته و محلّ دفن او را در کشمیر دانسته است. (همان: ص ۲۰۸)

این ادّعا قابل قبول نیست؛ زیرا:

اوّلاً: هیچ مدرک تاریخی در سفر ملّا فتح‌الله به کشمیر و ارتباطی با آن حوزه به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

دست نیامده است.

ثانیاً: مقبرهٔ مرحوم ملافتح‌الله درکاشان، از دیر زمان، معروف و دارای ساختمان مخصوص چهار طاقی در ابتدای جادهٔ قمصر و در خیابانی قرار دارد که امروزه ملّافتح الله نامیده می‌شود. ملّاحبیب‌الله شریف نیز از مقبرهٔ او به عنوان مکانی معروف و مشهور ـ که زیارتگاه خاصّ و عام و محلّ نذرهای مردم درکاشان است ـ یاد می‌کند و خانه او را نیز در همان نزدیکی می‌داند. (۱۴: ص ۸۱)[1]

ثالثاً: شخصیّتی که همنامی او با ملافتح‌الله کاشانی موجب این اشتباه شده، مرحوم «فتح الله شیرازی» است. وی از علمای این دوره است و به دعوت شاهِ علم دوستِ بیجاپور به هندوستان رفت و به مرور، در جرگهٔ خاصّان و دوستان اکبر شاه قرارگرفت. همراه با اکبر شاه در سفری که به کشمیر داشت، بیمار شد و درگذشت و در همانجا مدفون گشت. با توجّه به یکسان بودن تاریخ فوت فتح‌الله شیرازی با مدّعای صاحب کشف الحجب، وی سال فوت او را به ملافتح‌الله کاشانی نسبت داده است؛ بدان روی که سیّد اعجاز حسین از شبه جزیره هندوستان بوده و با علمای آن حوزه آشنایی بیشتر داشته است.

مرتضی حسین صدر الافاضل نیز این اشتباه را تأیید می‌کند و می‌نویسد:

عدّه‌ای بعضی از کتابهای ملّا فتح‌الله کاشانی تحت عنوان تفسیر منهج الصادقین، خلاصة المنهج، ترجمهٔ نهج البلاغه و ترجمهٔ قانون بوعلی سینا (تألیف فتح الله بن فخرالدین شیرازی) را فقط به خاطر شباهت نام به غلط به میرفتح الله منسوب کرده‌اند. (۱۵: ص ۴۳۳)[2]

---

۱. متأسّفانه این مقبره در طول سالیان، به سبب عدم توجّه مسئولان ذی‌ربط صدمات جدی دیده بود که خوشبختانه اخیراً بازسازی اولیهٔ آن صورت گرفته و امید است که با ادامه این کار شاهد بنایی در خور شخصیّت آن مفسّر عالی مقام باشیم.

۲. فتح الله شیرازی (۹۲۰ ـ ۹۹۷ق) از سادات شیراز که در حدیث و فقه و اصول و ادب و نجوم و هیئت و حساب و کیمیا به درجه کمال رسید. تصانیف وی عبارت‌اند از: تکملهٔ حاشیه علّامه دوانی بر تهذیب المنطق، حالات و عجایب کشمیر، تألیف بعضی از اجزای تاریخ الفی و... (۱۶: ص ۲۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

نبش قبر و احیای وی:

از داستانهای معروف در مورد آن بزرگوار در مصادر تاریخی، داستان احیای او است پس از سکته که جنازهٔ او را در دخمه‌ای به امانت گذاشتند تا به نجف انتقال دهند. نقل است که در زمان نوشتن منهج‌الصادقین، سکته‌ای کرد که آن را فوت او دانستند و بدنش را در قبر به امانت نهادند. وی در قبر به هوش آمد و نذر کرد که اگر نجات یابد، تفسیر را به پایان رساند. شامگاه مرد بنّا برای برداشتن لوازم خود ـ که در آن دخمه نهاده و فراموش کرده بود ـ درگاه دخمه را گشود. کاشانی نجات یافت و تفسیر را به پایان برد. (۲۳: ص ۲۷۹؛ ۳۵: ج ۱، ص ۳۷۴)

ملا حبیب الله شریف از این گزارش به عنوان داستانی مشهور بر زبانها (قد اشتهر علی الألسن) یاد کرده و می‌نویسد که این حکایت در مورد ملا محمّدهادی فرزند ملا صالح مازندرانی نیز نقل شده است. (۱۴: ص ۸۱)

این داستان در مورد شیخ طبرسی (متوفی قرن ۶) نیز بعینه نقل شده و او نیز نذر کرده در صورت نجات از دخمه، تفسیری بر قرآن بنویسد. (۱۸: ص ۳۴۶)

سپس ایشان به نقل روضات، تفصیل این داستان را در مورد مرحوم طبرسی نقل می‌کند و در انتها می‌نویسد:

> *شیخ محدّث ما (محدّث نوری) فرموده که با این شهرت که ایشان گفته‌اند من این حکایت را در کتاب احدی قبل از صاحب ریاض نیافتم.* (۱۸: ص ۳۵۲)

در هرحال، این رویداد، نقش مهمّی در مورد دیدگاه ما نسبت به این تفسیر ندارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

اساتید ملا فتح الله:

تنها استادی از وی که سراغ داریم، «ابوالحسن علی‌بن حسن زواره‌ای» است. (۱: ج ۲۰، ص ۲۷۶) همچنان که معروف‌ترین شاگردی که از زواره‌ای سراغ داریم، مرحوم ملافتح الله است.

زواره‌ای از شاگردان محقّق کرکی معروف به محقّق ثانی است؛ امّا تفسیر را از استادش غیاث‌الدین جمشید المفسّر الزواری در یافت نموده است. او همچنین از میر عبدالوهاب‌بن علی الحسینی الاستر آبادی نقل حدیث می‌کند. (۱: ج ۴، ص ۱۵۲)[1]

از آثار او می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ترجمة الخواصّ: تفسیر فارسی قرآن مجید بوده که به تفسیر زواری معروف است. (۲۹: ج ۱، ص ۱۳۵؛ ۳۴: ج ۴، ص ۳۷۶؛ ۱: ج ۴، ص ۱۰۰)

تاریخ اتمام آن سال ۹۴۷ هجری است.

۲. روضة الأنوار: در شرح فارسی نهج البلاغه. (۲۴: ص ۳۵۸؛ ۲۹: ج ۱، ص ۱۳۵؛ ۳۴: ج ۴، ص ۳۷۶؛ ۱: ج ۱۴، ص ۱۳۶)

۳. ترجمة کشف الغُمّة موسوم به ترجمة المناقب: (۲۹: ج ۲، ص ۳۹۳) این کتاب با مقدّمهٔ مرحوم شعرانی و تصحیح سیّد ابراهیم میانجی همراه با اصل کشف الغمّة به زیور طبع آراسته گشته است.

۴. آثار الاخیار در ترجمهٔ تفسیر منسوب به امام حسن عسکریعلیه‌السلام.

۵. مکارم الکرائم در ترجمهٔ مکارم الاخلاق طبرسی.

۶. مفتاح النجاة: در ترجمهٔ عدّة الداعی ابن فهد. (۱: ج ۲۲، ص ۳۵۵)

۷. ترجمهٔ احتجاج طبرسی. (۱: ج ۴، ص ۷۵)

---

۱. برای اطّلاع از زندگی او و آثار وی و اشتباه شرح حال‌نویسان در توصیف او با غیاث الدین جمشید کاشانی مراجعه کنید به: شرح حال کاملی از سیّد غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای. (۲۶: ص ۳۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۸. مرآت الصفا: در مناسک حج و اعمال و ادعیه که خاتمه آن در زیارات است. (۱: ج ۲۰، ص ۲۷۶)

۹. مجمع الهدی: در قصص انبیا و ائمّه. (۱: ج ۲۰، ص ۴۷)

۱۰. شرح صحیفهٔ سجّادیّه: که در سال ۹۴۷ از تألیف آن فارغ شده است. (۱: ج ۱۳، ص ۳۵۳؛ ۳۵: ص ۳۷۱)

۱۱. وسیلة النجاة در ترجمهٔ اعتقاد صدوق. (۱: ج ۲۵، ص ۸۸؛ ۲۹: ج ۲، ص ۳۹۳)

۱۲. تحفه الدعوات که در برگیرنده اعمال سال و ادعیه است. (۲۹: ج ۲، ص ۳۹۳)

۱۳. ترجمة اربعین حدیث شهید اوّل. (همان)

۱۴. لوامع الانوار در معرفت ائمّة اطهارعلیهم‌السلام. (کتابخانهٔ آیة الله مرعشی، ش ۳۷۴)

۱۵. طراوة الطائف: در ترجمه «الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف» سیّد ابن‌طاووس. (کتابخانه آیة الله مرعشی، شماره ۱۰۸۶)

با مقایسهٔ اجمالی این آثار و آثار ملافتح الله مشاهده می‌شود:

الف ـ هر دو کتاب «احتجاج طبرسی» را ترجمه نموده‌اند. البتّه احتمال می‌رود که مورخین یک کتاب را به هر دو نسبت داده‌اند. (۳)

ب ـ هر دو بر قرآن و نهج البلاغه شرح مفصّلی زده‌اند.

ج ـ هر دو مؤلّف (استاد و شاگرد) کتاب تفسیری خود را در واکنش به تفسیر مواهب علیّه کاشفی نگاشته‌اند.

بررسی سخن مرحوم بهار در مورد زواره‌ای

ملک الشعرای بهار، علی‌بن حسن زواره‌ای را از نویسندگان و مفسّران نامی صفویه دانسته و تفسیر وی را از تفاسیر مشهور بعد از تفسیر طبری و ابوالفتوح و گازر و جواهر التفسیرملاحسین واعظ کاشفی می‌داند. وی او را مردی مفسّر و فقیه و محدّث و فاضل و ادیب که «در تصانیف و تراجم به تصوّف مایل بوده» معرّفی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

می‌نماید. (۷: ج ۳، ص ۳۰۳)[۱]

سعید نفیسی در شرح حال زواره‌ای از گرایش او به صوفیه یاد می‌کند. (۳۵: ج ۲، ۳۷۱)

در مورد تمایل زواره‌ای به تصوّف نکات ذیل قابل ذکر است:

اوّلاً: تمایل مرحوم زواره‌ای به تصوّف در هیچ جای دیگر ذکر نشده است و مشخّص نیست مرحوم بهار و نفیسی به استناد چه مطالبی وی را به این گروه نزدیک می دانند.

وی به لحاظ استعداد شگرف و پیشرفت قابل توجّه در معارف اسلامی و کسب مدارج عرفانی مورد سعایت نااهلان قرار گرفته و او را به صوفی‌گری و گرایش به تصوّف متّهم کرده‌اند. البتّه وی اهل عرفان بوده، لیکن عرفان به معنای توجّه به خدا و انقطاع از غیر او و زهد و وارستگی؛ ولی او اهل صوفی‌گری و مرید بازی و مسائلی از این قبیل نبوده است و مسلّماً کسی که در فقه و حدیث و مسائل شرعی مرجع عام و خاص است، از تصوّف چندان دلخوشی ندارد. (۲۹: ص ۳۹)

ثانیاً: خود مرحوم بهار در همین کتاب با اشاره به تسلّط گفتمان اهل سنّت در ایران قبل از صفوی می‌نویسد: «علمای شیعه با تصوّف سروکاری نداشتند.» (۷: ص ۲۵۴) نیز یاد آور می شود که «صوفی گری در دوره شاه طهماسب (یعنی همان دوره مرحوم زواره‌ای) دیده نمی شد.» (۷: ص ۲۵۴)

وفات مرحوم زواره‌ای در اواسط قرن دهم (حدود ۹۶۰) بوده است. شگفتا! مردی با این تألیفات گسترده و خدمات ارزنده علمی و تحصیل در دامن بزرگواری چون محقّق کرکی و تربیت شاگردانی همچون ملا فتح الله کاشانی، در عرصهٔ تاریخ و شرح زندگی بسان شاگرد خود مهجور مانده و اطّلاعات تاریخی بسیار اندکی از او به ما رسیده است.

---

۱. امروزه هیچ یک از سه تفسیر طبری و ابوالفتوح و گازر و جواهر التفسیر ملاحسین واعظ کاشفی بین فارسی زبانان به اندازه منهج الصادقین شهرت ندارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

شاگردان ملا فتح الله

از تمام متونی که در زندگی این بزرگوار جستجو نمودم، جز یک شاگرد از وی نیافتم: رضی الدین شاه مرتضی. (۹۵۰ـ ۱۰۰۹ ق) (۱: ج ۱۴، ص ۷۹)

وی فقیه، متکلّم، مفسّر و ادیب و اصولی و پدر عالم مشهور، ملامحسن فیض کاشانی است. حوزه درس شاه مرتضی همانند تهجّد و تقوا و کتابخانهٔ بزرگ او در این شهر، شهرت فراوان داشته است.

فرزندان وی

کمبود اطلاعات و داده‌های تاریخی از این چهرهٔ درخشان در این قسمت نیز غباری از تاریکی بر چهره او افکنده است. در تاریخ، آنچه از فرزندان او سراغ داریم یک پسر و یک دختر می‌باشد.

پسر او «علی‌رضا کاشانی» دارای کتابی است به نام «وسیلة النجاة» که نسخه‌ای از آن را مرحوم آقابزرگ طهرانی در مکتبهٔ امیرالمومنین علیه السلام در نجف دیده است. این کتاب در باب شرح چهل حدیث به زبان فارسی است که حدیث چهلم آن در باب جزیرهٔ خضراء است. وی در این کتاب خود را به «علی‌بن فتح الله» و مشهور به «رضا» توصیف نموده است. (۱: ج ۵، ص ۴۰۰)

امّا از آنچه مرحوم ملاحبیب الله شریف در کتاب ارزندهٔ لباب الالقاب می‌گوید، می‌توان دریافت که او دارای دامادی صاحب فضل و متبحّر در علم تفسیر و از نزدیکان به قلم ملا فتح الله بوده است. وی می‌نویسد:

چنین گفته شده است که تفسیر فارسی منهج الصادقین در هنگام فوت ملا ناقص بوده و بعد از رحلت وی توسط دامادش به اتمام رسیده است. (۱۴: ص ۸۳ـ۸۲)

هر چند اصل ادّعای ناتمام بودن تفسیر و اتمام آن توسّط داماد وی صحیح نیست و در جای دیگر این گفتار به آن پرداخته ایم، امّا مشخص می‌شود که داماد او دارای تبحّری در این علم بوده که بتوان در باب او چنین نسبتی داد. البتّه از نام و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

شهرت یا آثار احتمالی او چیزی در دست نداریم.

تألیفات

حوزهٔ تألیفات این نویسندهٔ کوشا را می‌توانیم به سه گروه مختلف تقسیم کنیم:

الف) تفسیر قرآن

۱ـ منهج الصادقین فی الزام المخالفین در تفسیر قرآن کریم.

۲ـ خلاصة المنهج: که تلخیص منهج الصادقین توسّط مؤلّف است.

۳ـ زبدة التفاسیر به عربی: این تفسیر به لحاظ حجم، تفسیر متوسّط وی، بین تفسیر کبیر منهج و وجیز خلاصة المنهج است.

ب) تفسیر نهج البلاغه

تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین. (۲۹: ج ۵ ـ ۶، ص ۲۰)

ج) ترجمه

۱ـ ترجمه قرآن

ترجمة القرآن به فارسی که آن را در حاشیه قرآن نگاشته است. (۱: ج ۴، ص ۱۲۷؛ ۲۹: ج ۵ ـ ۶، ص ۲۰)

۲ـ کشف الاحتجاج (۱: ج ۱۸، ص ۷ـ۸؛ ۲۹: ج ۶ـ۵، ج ۲۰)

۳ـ ترجمه قواعد الاحکام تالیف علّامه حسن‌بن یوسف‌بن مطهر حلی. (۳۵: ص ۳۷۴)

د) کلامی

۱ـ اثبات واجب (نسخهٔ خطّی رضوی، شماره ۶۷۹)

از صفحهٔ آخر این کتاب برمی‌آید که تاریخ اتمام آن سال ۹۴۹ هجری است. نیز نویسنده به اسم نیای خود نیز با عنوان «لطف الله» اشاره می‌کند که در هیچ مأخذ دیگری مذکور نیست . از دیگر سو، این کتاب با تمامی کتب دیگر ملافتح الله بـه لحاظ موضوعی تفاوت دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۲ـ علامات ظهور و قیامت. (نسخهٔ عکسی آن در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره ۱۷۷۲ نسخه عکسی آن موجود است.)

این کتاب نیز همانند کتاب اثبات واجب در ذریعه و ریحانة الادب و ریاض و دیگر کتب تراجم مذکور نیست. کتاب در ۹۷ صفحه تدوین شده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ مدرسهٔ آیة الله بروجردی در کرمانشاه موجود است که در قرن ۱۲ کتابت شده است.

دو نکته

۱. مرحوم سیدمحسن امین در ذکر آخرین آثار مرحوم ملا فتح الله دو کتاب دیگر را به نامهای «ملاذ الفقهاء» و «مادّة التاریخ» ذکر می‌کند. (۵: ج ۸، ص ۳۹۳) آثاری از مرحوم ملّا با این عناوین در دسترس نیست. عامل این سهو آن است که این اسم، اشاره به تاریخ وفات و مادّهٔ تاریخ رحلت مرحوم ملا فتح الله است (ملاذ الفقهاء) که مؤلّف آن را از تألیفات او گرفته است. (نیز بنگرید: ۱۳: ج ۱۰، ص ۱۹۹)

این بیت که منتسب به مرحوم محتشم کاشانی است، در مادّهٔ وفات ملا فتح الله بر سنگ قبر آن بزرگوار نگاشته شده است:

مفتی دین مبین کاشف قرآن مبین — واقف سر قدر عالم اسرار قضا
هادی وادی تفسیر که در حلّ کلام — خاطرش بود در اسرار یقین پرده گشا
فقها را چو ملاذی به جز آن قدوه نبود — بهر تاریخ نوشتند ملاذ الفقهاء

(۲۰: ج ۱، ص ۴۵، مقدّمهٔ شعرانی)

آشنایی با کتاب منهج الصادقین

مهم‌ترین کتاب ملا فتح الله و ماندگارترین اثر او، تفسیر جامع «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» است. با اینکه بیش از ۴ قرن از زمان تدوین این کتاب ارزنده می‌گذرد، همچنان مورد توجّه محقّقان و قرآن پژوهان است. بعضی محقّقان او را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

معروف‌ترین کسی می دانند که به زبان فارسی، در طریقهٔ شیعه، تفسیر نوشته است. (۳۵: ص ۳۷۴)

مرحوم معرفت تفسیر منهج را در سنخ تفاسیر روایی و در بین ۱۴ تفسیر معروف ارزیابی می‌کند. (۳۱: ج ۲، ص ۳۴۶)

نخستین چاپ در تهران به سال ۱۲۹۶ ق (۱۲۵۷ ش) به اهتمام جهانگیر میرزا مشهور به میرزا آقا به چاپ سنگی و در یک مجلّد، در قطع رحلی (۳ جلد در یک مجلّد) بوده است. چاپهای بعدی این کتاب با مشخّصات ذیل انجام گرفته است:

ـ تبریز، چاپ سنگی، ۳۰ جلد، قطع رحلی بزرگ چاپ اول ۱۳۰۵.

ـ تهران، چاپ دوم، مکتبهٔ اسلامیّه، ۱۳۸۶ ق، قطع وزیری، تحقیق علّامه ابوالحسن شعرانی.

ـ تهران، انتشارات علمیّهٔ اسلامیّه، مطبعهٔ علمیّه، چاپ اوّل، ۱۳۸۵ ق، ۱۰ جلد، قطع وزیری، به تصحیح علی اکبر غفّاری و مقدّمه و حواشی سیّد ابوالحسن مرتضوی.

ویژگیهای منهج‌الصادقین

۱. این کتاب در دوره اخیر با اهتمام و تصحیح مرحوم شعرانی به چاپ رسیده است. آن بزرگوار نیز مقدّمه‌ای بر این کتاب نگاشته است و در آن، ضمن بحث در باب بعض مسائل علوم قرآنی، به تفصیل به صیانت قرآن از تحریف پرداخته است. او علاوه بر این، به بعض مسائل و سؤالات مطروحه در باب تفسیر منهج همچون مراجعهٔ فراوان مؤلّف به اقوال عامّه و اسرائیلیات و اخبار آحاد پاسخ داده و جایگاه موارد فوق را در تفسیر بررسی نموده است.

البتّه مرحوم شعرانی بر جلد دو نیز مقدّمه‌ای دیگر نوشته که بیشتر ناظر به سؤالات و اشکالاتی است که راجع به این تفسیر ایجاد شده است. وی ابتدا ضمن بیان طریقهٔ مؤلّف در تفسیر، به بیان جایگاه تفاسیر جدید (المنار و طنطاوی)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

پرداخته و نیم نگاهی نیز به تفسیر صافی فیض دارد.

۲. تفسیر منهج الصادقین مشتمل بر مقدّمه‌ای طولانی است شامل ده فصل: اسامی بعض از قرّاء قرآن و صحّت اسناد قرائات سبعه، ذکر اسامی قرآن و سوره و آیه و وجه تسمیهٔ هر یک، اصحّ اعداد آیات قرآنی و فایده و معرفت آن و تبیین معنا و تفسیر و تأویل و تفسیر نزول قرآن علی سبعة احرف. مفصّل‌ترین قسمت مقدّمه، در ذکر احادیث و اخبار دالّ بر ترغیب قرائت قرآن و دانستن معانی فرقان است.

۳. از دیدگاه مفسّر «علمی که مثمر سعادت اخروی و مصالح امور دنیوی است، علم قرآن است» به این دلیل که «مأخذ اصول شریعت مصطفوی و مصدر فروع نبوی است که عمل به آن سبب رستگاری دنیا و عقبی است.» او در تأیید این دیدگاه خود از روایات ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام بهره می‌گیرد. (۲۰: ج ۱، ص ۲)

۴. مرحوم ملا فتح الله در مقدّمهٔ خود متذکّر می‌شود که به واسطهٔ عدم توانایی بهره‌برداری عموم مردم از تفاسیر عربی و مغلق بودن تفاسیر فارسی، به همراه تفاصیل موجود در این تفاسیر یا ایجاز فراوان یا کثرت استفاده از الفاظ فارسی قدیم، به اندیشهٔ تدوین کتاب دست یافته است. البتّه این کلام، ناظر به تفسیر کاشفی نیز بوده است؛ چه آن تفسیر «اگر چه به جواهر عبارات بلیغه و لآلی فصیحه محلّی بود، امّا چون که موافق روش مخالفین و مخالف مذهب ائمّهٔ صادقین ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ بود، در نظر اعتبار، مار زرنگار می‌نمود؛ چه ظاهر آن مزیّن بود به نقوش جمیله و باطنش مملوّ از سموم عقاید قاتله.» (همان: ص ۴)

۵. او در تدوین این کتاب با اصل قرار دادن قرائات سبعه در تقریر و تفسیر آیات (همان: ص ۴) علاوه بر آنکه از تفاسیر قدیم بهره می‌جوید، دست به کاوش در منابع و کتب تاریخ و کلام و حدیث و فقه و اصول نیز می‌زند و از منابع مختلف به خصوص از تفاسیر فارسی قبل خود نیز بهره می‌برد. (همان: ص ۴) بدین منظور که: «تفسیری از آن انتخاب نماید که مبتنی باشد بر حلّ معانی قرآن بر طبق قرائت سبعه که مسلّم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

الثبوت و مجمع علیه جمیع موافق و مخالف است.» (همان: ص ۴) در نتیجه، تفسیری تدوین نمود شامل موارد ذیل:

ذکر اسرار و نکات و اسباب نزول، احادیث، قصص ائمّهٔ هدی علیهم‌السلام، فضل سور و آیات و وجه ارتباط آن، بیان مسائل فقهی، مباحث لغوی و اعراب در حد میانه، رفع شبهات مخالفان و ابطال مذهب ایشان.

وی در پایان این مقدّمه، وجه تسمیهٔ کتاب را چنین یاد می‌کند: «چون مقصد اقصی و مطلب اعلی از این منتخب، ایضاح طریق ائمّهٔ صادقین علیهم‌السلام است به حجج واضحه، و الزام مخالفین به براهین باهره، از این جهت، مسمّی شد به منهج الصادقین فی الزام المخالفین.» (همان: ص ۵ـ۴)

۶. او در تفسیر خود، ترجمه را در ضمن تفسیر می‌آورد و با ذکر شأن نزول آیات و مباحث ادبی و بلاغی، توجّه خاصی به اقوال عامّه و قصص وارده در باب تفسیر قرآن دارد. تفسیر بیضاوی و مباحث ادبی و کشّاف زمخشری نیز مورد توجّه ویژهٔ اوست. امّا اینکه بعض محققین، کتاب ترجمة الخواصّ زواره‌ای را نیز از مصادر این تفسیر دانسته‌اند (۶؛ ۳: ص ۲۰۱)، شاهدی بر آن عرضه نکرده‌اند و نگارنده نیز موردی بر صدق آن نیافت.

۷. تفسیر او تفسیری ترتیبی و جامع از قرآن کریم است. او در ابتدای هر سوره، به نقل ابی‌بن کعب، فضل سور را بیان می‌کند (هر چند محقّقین در صحّت این استناد و نقل تردیدهای جدّی دارند). (بنگرید: ۱۳: ص ۱۲۳) سپس می‌کوشد که به گونه‌ای، بین آن و سورهٔ قبل، ارتباط معنایی ایجاد کند.

۸. از نکات مورد توجّه او در این تفسیر، اهتمام ویژهٔ او به دفاع از جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و مقام شامخ آن بزرگواران است که در این باب نیز سعی عمدهٔ او تلاش از استفاده از منابع اهل تسنّن است.

همین کثرت استفاده از روایات است که سبب شده تفسیر منهج را از قسم تفاسیر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

روایی بدانند (۳۳: ج ۱، ص ۳۴۶)؛ هر چند صحیح‌تر آن است که این تفسیر از قسم تفاسیر واعظانه است. (۱۷: ص ۲۲۸)

۹. علّامه آقا بزرگ طهرانی در الذریعه یاد آور شده که: ...**ذکر في خطبته أنّه أورد کثیراً من أخبار العامّة إلزاماً لهم** (۱: ج ۲۳، ص ۱۹۳ـ۱۹۴؛ ۲۴: ص ۵۶۸) این سخن صحیح به نظر نمی‌رسد. در خطبهٔ ابتدای کتاب چنین مطلبی یافت نشد، هرچند طریقهٔ ملّافتح الله در تفسیر چنین است و فراوان به روایات عامّه در اثبات نظریّات خود استناد می‌نماید.

در بین راویان عامّه، بیشترین روایت منقول در این تفسیر، از آنِ ابوهریره است. یادآور می‌شود که اعتماد و استفاده و ذکر روایات موثّق اهل سنّت در کتب تفاسیر قبل و بعد از ملّا فتح الله، در کتب تفاسیر متعدّد شیعه همچون تفسیر «الصافی» فیض کاشانی و تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر «مجمع البیان» به چشم می‌خورد؛ همچنان که در کتب غیر تفسیری همچون «جامع السعادات» نراقی و «شرح اللّمعه» این سنّت ادامه یافته است.

۱۰. کاشانی هر جا روایتی آورده، معنای فارسی را نیز به سان قرآن بیان می‌دارد. نیز از اشعار فارسی و عربی زیادی نیز بهره گرفته، هرچند نام شاعر را مشخّص ننموده است.

۱۱. از دیگر موارد قابل توجّه، کثرت بیان اقوال عرفا و صوفیان است که در برخی موارد رنگ و بوی تفاسیر عرفانی را به این تفسیر جامع می‌دهد.

او از ابن‌عربی و سلمی بیش از دیگران بهره می‌برد و در جای جای تفسیر، به متون مهم عرفانی همچون روح الارواح (نوشتهٔ شهاب الدین منصور سمعانی)، مصابیح القلوب (۱۹: ج ۸، ص ۴۲۲)، قوت القلوب (همان: ج ۵، ص ۱۰۶ و ۲۰۱)، کشف‌الاسرار (همان: ج ۵، ص ۵۶۳)، لوامع (۷: ۳۴۱)، لطایف (۱۰، ۱۴۳)، تأویلات ماتریدی و انوار (۳: ۳۵۳ و ۷: ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۴: ۳۵۷) استناد می‌کند. در مواردی دیگر به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

بیان تفاسیر عرفانی قشیری (۱ : ۴۳۰ و ۷، ۳۴۱)، بکربن عبید (۱۰ : ۱۸۳)، ابوسعید ابوالخیر (۳ : ۴۳۲)، ابوالقاسم بلخی (۱۰: ۱۸۳)، شیخ جنید (۹ : ۱۶۰ و ۷ : ۳۴۱)، ابن‌عطا (۹ : ۱۶۰)، خواجه پارسا (۷ : ۳۴۱)، ماتریدی (۵ : ۴۲۹)، قاسم انوار (۷، ۳۴۱)، سفیان ثوری (۶ : ۳۸۷)، شبلی و شیخ نجم‌الدین دایه در بحر الحقایق (۹ : ۱۶۰) می‌پردازد.

سیّد ابوالحسن مرتضوی، یکی از مصحّحین منهج‌الصادقین، در چند مورد به نقد بیان تفاسیر عرفانی در تفاسیر واعظانه پرداخته و پرداختن به این اقوال را مناسب این کتاب نمی‌داند. این نقد، البتّه با توجّه به آنکه مفسّر گرانقدر نیز مخاطب خود را عامّه مردم می‌داند (همان: ج ۱، ص ۴) قابل قبول است.

شدیدترین حملات مصحّح به این روش مفسّر، مربوط به تفسیر آیهٔ ﴿**أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلى**﴾ (نازعات (۷۹): ۲۴) است. کاشانی به قول یکی از عرفا استناد کرده که:

یکی از عرفا مناجات کرد که خداوندا این چه حال است که فرعون **أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلى** گفت و حسین منصور حلاج **أنا الحقّ**! هر دو یک دعوی کردند؛ روح حسین در علّیّین است و از آنِ فرعون در سجّین. هاتفی آواز داد که فرعون به خودبینی درافتاد و همه خود را دید و خود را گم کرد پس در میان فرق بسیار است. (همان: ج ۱۰، ص ۱۴۴)

مصحّح (آقای مرتضوی) از این روش مفسر انتقاد می‌کند و می‌نویسد:

باز هم ذوق عارفانهٔ مرحوم مؤلّف به اهتزاز آمده و سخن یکی از اقطاب صوفیه را - که آن علاءالدوله سمنانی و سر سلسلهٔ صوفیهٔ علائیه است - نقل نموده ولی قسمتی از کلمات وی را ذکر نکرده است...

تعجّب است از مرحوم مؤلّف که این کتاب را به عنوان تفسیر قرآن کریم تألیف و آن را منهج الصادقین فی الزام المخالفین نامیده، مع‌الوصف، در مواضع عدیده کثیری از اراجیف و اکاذیب و خرافات و اوهام جمعی از صوفیه را نقل نموده که هم از نظر اکابر علمای شیعه مانند شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ طوسی و شیخ بهایی و امثالهم بلکه جمعی از علمای عامّه نیز چون ابن‌جوزی در تلبیس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ابلیس و ابن‌الندیم در فهرست، محکوم به کفر و الحاد و حلول و اتّحادند و هم از معاندین ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام به شمار آمده‌اند. و اعجب از این، نگارشات بعض معاصرین است در اینجا که خواسته محمل صحیحی از برای کلمات کفر آمیز حسین حلاج درست کند. (همان: ج ۱۰، ص ۱۴۴)

۱۲. در موارد دیگر مباحث فقهی را نیز ارائه و نظر خود را بیان می‌کند. (همان: ج ۱۰، ص ۲۴؛ ج ۹، ص ۱۵۴)

۱۳. در این کتاب، روایات مردود و تواریخ مجعول و اسرائیلیّات آمده که قابل بررسی است؛ همانند اسلام قیصر بعد از درد چشم و شفای او توسّط نـامه‌ای از حضرت علی با محتوای بسمله (همان: ج ۱، ص ۳۴) که صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چه آنکه اگر قیصر روم آیین خود را تغییر داده بود، در کتب تاریخ معروف و مشهور بود و سبب اشتهار اسلام در حوزهٔ امپراتوری روم می‌شد.

۱۴. صاحب کتاب لباب الالقاب می‌نویسد:

گفته شده که تفسیر معروف فارسی او «منهج الصادقین» در هنگام فوت او ناتمام ماند و داماد او آن را به پایان رسانید. (۱۴: ص ۸۲ ـ ۸۳)

در ردّ این قول موارد ذیل قابل ذکر است:

اوّل: صاحب منهج خود در ابتدای کتاب می‌نویسد:

و بر پنج مجلّد ترتیب یافت به جهت موافقت آن به عدد آل عبا، اثر تیمّن و تبرّک پذیرفته علی احسن التصرف و النظام سمت اختتام یابد. (۱۹: ج ۱، ص ۵)

دوم: آنکه اگر او خود تفسیر را به اتمام نرسانده بود، چگونه وی کتب تلخیص منهج را به فارسی و عربی بازگردانده است؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آقابزرگ طهرانی، محمّد محسن. **طبقات اعلام الشیعة: الکواکب المنتشره في القرن الثانی بعد العشره.** تحقیق: علی نقی منزوی. تهران: دانشگاه تهران.

۲. ــــــــــ. **الذریعة الی تصانیف الشیعة.** بیروت: دار الاضواء.

۳. استادی، رضا. **آشنایی با تفاسیر.** قم: قدس.

۴. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله. **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء.** ج ۴. ترجمه: محمّدباقر ساعدی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، اول.

۵. امین، سیّد محسن. **اعیان الشیعه.** تحقیق: حسن امین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۶. ایازی، سیّد محمّدعلی. **سیر تطور تفاسیر شیعه.** رشت: کتاب مبین.

۷. بهار (ملک الشعراء)، محمّدتقی. **سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی.** تهران: امیرکبیر.

۸. تفضلی، آذر و فضائلی جوان، مهین. **فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا ۱۴ هجری.** مشهد: آستان قدس رضوی.

۹. جعفریان، رسول. **کاوشهای تازه در باب روزگار صفوی.** قم: انتشارات ادیان.

۱۰. حاجی خلیفه. **کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون.** بیروت: دارالفکر.

۱۱. درودی، موسی. **نخستین مفسران پارسی‌نویس (کتاب اول).** تهران: نور فاطمه. بی‌تا.

۱۲. سادات ناصری، سیدحسن و دانش‌پژوه، منوچهر. **هزار سال تفسیر فارسی، سیری در متون کهن تفسیری پارسی با شرح و توضیحات.** تهران: البرز، اوّل. ۱۳۶۹.

۱۳. سبحانی، جعفر. **موسوعة طبقات الفقهاء.** قم: مؤسّسة امام صادق علیه‌السلام.

۱۴. شریف کاشانی، حبیب‌الله. **لباب الالباب فی القاب الاطیاب.**

۱۵. صدر الافاضل، سیّد مرتضی حسین. **مطلع الانوار: احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند.** ترجمه: دکتر محمّد هاشم. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش.

۱۶. عارف تقوی، سیدحسین. **تذکره علمای امامیه پاکستان.** ترجمه: دکتر محمّد هاشم. مشهد: بنیاد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی. ۱۳۷۰ ش.

۱۷. فهیمی تبار، حمید. **روش‌شناسی تفسیر منهج الصادقین.** پژوهشهای قرآنی، شماره۴۶ و ۴۷ (۲۲۹-۲۱۶). ۱۳۸۵.

۱۸. قمی، شیخ عبّاس. **الفوائد الرضویّة فی احوال علماء المذهب الجعفریّة.** بی‌جا: بی‌تا.

۱۹. کاشانی، ملافتح الله. **منهج الصادقین و الزام المخالفین.** تصحیح: علی اکبر غفاری. پاورقی:ابوالحسن مرتضوی. تهران: علمی، ۱۳۳۶ ش.

۲۰. ــــــــــ. **منهج الصادقین والزام المخالفین.** تصحیح: ابوالحسن شعرانی. تهران: اسلامیه، ۱۳۴۷ش.

۲۱. ــــــــــ. **تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین.** به اهتمام: حاج ملا شکرالله رازی لواسانی طهرانی. تهران: بی‌نا، ۱۳۰۵.

۲۲. کحّاله، عمر رضا. **معجم المؤلّفین.** بیروت: مؤسّسة الرساله.

۲۳. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم. **تاریخ کاشان.** با کوشش ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین. ۱۹۶۳م.

۲۴. کنتوری، اعجاز حسین. **کشف الحجب و الاستار عن احوال الکتب و الاسفار.** قم: مکتبة آیة الله المرعشی. ۱۴۰۹ ق.

۲۵. گروه مترجمان. **ترجمه تفسیر طبری.** با تحقیق حبیب یغمایی. تهران: انتشارت طوس، چاپ دوم. ۱۳۵۶ ش.

۲۶. گلی زواره، غلامرضا. **مفسری گمنام و تفسیر او.** آیینه پژوهش، شماره پیاپی ۲۳، (۴۸-۳۷) ۱۳۷۲.

۲۷. ــــــــــ. **تفسیر ترجمة الخواص.** آیینه پژوهش. سال دوم، شماره سوم، (۴۸-۳۹)، ۱۳۷۰.

۲۸. محمودی، محمّدباقر. **نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة** (ج ۱). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۳۹۶ ق.

۲۹. مدرس، محمّد علی. **ریحانة الادب: فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب.** تهران: خیام، ۱۳۶۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۳۰. مطهری، مرتضی. **خدمات متقابل اسلام و ایران.** تهران: صدرا. ۱۳۶۸.

۳۱. معرفت، محمّد هادی. **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب** (ج ۲). قم: منشورات الجامعه الرضویه. ۱۳۷۷.

۳۲. ــــــــــ. **تحریف‌ناپذیری قرآن.** ترجمه: علی نصیری. تهران: سمت، ۱۳۷۹.

۳۳. ــــــــــ. **تفسیر و مفسران** (ج ۱). قم: مؤسّسة التمهید، اول، ۱۳۷۹.

۳۴. الموسوی الخوانساری الاصفهانی، سیّد محمّد باقر. **روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات.** تحقیق و شرح: محمّد علی روضاتی. طهران: دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۸۲ق.

۳۵. نفیسی، سعید. **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبا ن فارسی تا پایان قرن دهم هجری.** تهران: فروغی. ۱۳۶۳.

۳۶. نمازی، شیخ علی. **مستدرک سفینه البحار.** تصحیح: شیخ حسن‌بن علی النمازی. قم: انتشارات جامعهٔ مدرّسین حوزهٔ علمیّهٔ قم. بی‌تا.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]